

فاله جنین

ایکاش مادران سنگدل و هوسبازی که جنین معصوم را به چنگال مرگ میسپارند، فاله‌اورا می‌شنیدند، اگر گوش وجدان آنان قدرت شنوایی داشت، شاید می‌شنیدند که می‌گوید:



مادر! نگذار زنده بمانم. مادرا من هم زنده می‌مانم. تو و هر انسان دیگر دوست میدانم با تو کسی که شور و شوش زندگی در وجود من از تو بیشتر است.

دوما پیش طغیانی پیش نبودم از تو و زود به بهی لحظه به لحظه با انرژی و نشاط باور مگر دانی زندگی می‌شوم، هم اکنون که جنین دوما هستم در این قلب کوچک و نوسبازی هستم که کم و بیش سه فیثون و دارای چهار جبهه است، (۱) بسیاری از اعضای بدن من، مانند اعصاب، جنین، کلیه، تیروئید و حتی جوانه‌های دلتاها در وجود من طرح ریزی شده و بر روی اعضا یکدیگر نیز طرز احی خواهد شد. (۲)



۳۷۷۱ - علاقه‌مندان به کتابهای جنین‌شناسی مراجعه فرمایند.

توان هوسبازی‌های تو را بپردازم. آهیم بقیمت جان خود!

مادر! فراموش نکن که در تمام دنیا، تو، تنها پناه منی و علاج تو کسی و جانی را ندانم. آیا عدالت و وجدان اجازه می‌دهد که پناهانده خود را به کشتن دهی؟

میدانم کسانی، مسئله کمبود غذا را برای کشتن من پناه فراز داده‌اند، ولی آیا عادلانه است که بخاطر اسراف و زیست و پاش هوس‌رانیان و مصرف کنندگان بی‌بندوباری من بیچاره و امثال‌ما به دست مرگ سپارند؟! اگر کنترل موایلد ضرورت دارد چرا از راه‌های عادلانه‌تر اقدام نمی‌کنند؟

مادر! من در برابر تمام دلایل مستعدی اساسی که تو و همدستانات برای کشتن من اقامه می‌کنید؛ تنها یک جواب قاطع دارم و می‌گویم: من زنده بی‌گناهی هستم و زندگی حق طبیعی من

است. بی‌تو برای کشتن من هیچ دلیلی ندارم؛ ولی من میدانم به چه دلیل میخواهی مرا نابود کنی... به دلیل آنکه من قدمت دفاع ندانم! به دلیل آنکه از من عاجز تر کسی را برای کشتن نداری به دلیل آنکه من مانع آدم زنده بگوری هستم که نه راه فرار دارم و نه قدرت مبارزه؛ و نه حتی فریاد مرا کسی می‌شنود.

ولی پیرا بدان که اگر مرا بکشی؛ آفریننده بزرگ و توانای من انتقام خون‌مرا خواهد گرفت و روز جزا از تو ستوال خواهد شد: «گناه آن زنده بگور چه بود که گشته شد» (۲) از خدای توانا بترس مادر! نگذار زنده بمانم. نگذار.

وزن من تاسی روز دیگر به شش برابر وزن کنونی خواهد رسید (۳) من سرعت رشد می‌کنم تا قدم به دبای بزرگ و روشن بگذارم و آرزو دارم که در اولین روز تولد تو را ببینم، مادر! تو هنوز مرا ندیده‌ای، ولی من تو را با تمام وجودم احساس می‌کنم و شب‌در روز آهنگ ضربان قلب تو سولولهای مرا نوازش می‌دهد، من امیدوارم که پس از تو تعداد اولین نگاه تو را بر بنده خود خواهم کرد و چون مهر و محبت خود را در دل تو خواهم ریخت که لحظه‌ای نخواهی توانست مرا از خود دور کنی، من یقین دارم که بعد از تولد، زندگی برای من تو جلوه و شکوه دیگری خواهد یافت.

مادر! تو و عده‌ای از زوهای شیرین مرا برآمده این ساوهای پر نشاط و نشاط را به چنگال مرگ گرفتار کنی. من می‌خواهم نابود شوم. مادر! تو را آینه من چینه‌ای، شاید در وجود من استعداد های فراوانی نهفته است، شاید می‌دانم چگونه می‌توانم انجام دهم. مگر تو ایغ را دانستی بزرگ، زمانی مانند من، روزی وجود من را از تو بی‌ما به اختیار و سراسر از دست می‌دهی.

مادر! نگذار زنده بمانم، من بی‌گناهم، آیا دیباقتی را می‌توانم پدید آورم حاضر نیستی از هوس‌ها و خوشگذرانی‌های عسود صرف نظر کنی و مرا میخواهی از زندگی محروم سازی؟! آیا من باید

۲ - سوره سوره که تکویر، آیه ۹۰: و اذا الموءودة سئلت ما یذنب قتلت